

مبانی و ویژگی‌های جامعه ولایی در قرآن با تأکید بر آرای تفسیری آیت‌الله خامنه‌ای

غفار شاهدی^۱ / استادیار گروه معارف اسلامی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تنکابن، تنکابن، ایران

کد ارکید: ۷۱۸۲-۰۹۷۶-۰۰۰۲-۰۰۰۰

چکیده

در نگرش تفسیری آیت‌الله خامنه‌ای، اعتقاد به توحید از مهم‌ترین مبانی شکل‌گیری جامعه ولایی است زیرا جامعه ولایی با محوریت امام شکل می‌گیرد و مبنای محوریت امام، اعتقاد به مراتب توحید از جمله توحید در ربوبیت الهی است، ربوبیت الهی شوون مختلفی دارد که از جمله شوون و مراتب آن، توحید در تشریح، حاکمیت و اطاعت است که اعمال آن با تشکیل جامعه ولایی با محوریت امام، امکان‌پذیر است. پژوهش حاضر، با استفاده از روش‌شناسی توصیفی - تحلیلی و سازماندهی علمی، با هدف تحلیل جامعه ولایی، به بررسی و تحلیل سؤال اصلی موضوع این پژوهش: «با تکیه بر آرای تفسیری آیت‌الله خامنه‌ای، مبانی و ویژگی‌های جامعه ولایی چگونه در قرآن مطرح شده است؟» می‌پردازد. مهم‌ترین دستاورد موضوع این پژوهش این است، در مبنای توحیدی، تنها خداست که حق تصرف کامل در افعال انسان و تشریح را داراست و این حق را از طریق تشکیل جامعه ولایی با محوریت امام، عملی می‌سازد. یعنی خداوند، در راستای توحید در ربوبیتش با دادن اذن ایجاد حکومت دینی به پیامبران و امامان معصوم و فقهای واجد شرایط، به عنوان امامان جامعه، حق انحصاری خود در حاکمیت و ولایت را، اعمال می‌کند. امامانی که با اذن الهی محور شکل‌گیری جامعه‌ای می‌شوند که از آن به جامعه ولایی تعبیر می‌شود. و دارای سه ویژگی مهم، حفظ وابستگی‌های داخلی و نفی وابستگی‌های خارجی و وجود امام، برخوردار است. از این رو، دیدگاه‌هایی که حکومت دینی را بر نمی‌تابند و دین را از سیاست جدا می‌دانند، از درک درست مبنای جامعه ولایی ناتوانند.

واژگان کلیدی: جامعه ولایی، مبانی، توحید، ویژگی‌ها، امام، آیت‌الله خامنه‌ای.

۱. نویسنده مسئول: ghafarshahedi@gmail.com

۱. مقدمه

توحید افعالی به عنوان یکی از اقسام توحید، دارای شاخه های متعددی است که یکی از مهم ترین شاخه های آن توحید در ربوبیت است یعنی بعد از خلق عالم، تدبیر کامل آن در انحصار خداوند است. از آنجایی که برای اعمال تدبیر عالم، به ساز و کارهای ویژه و متفاوتی نیاز است ربوبیت الهی، فروع و شؤون مختلفی پیدا می کند که عبارتند از: ربوبیت در حاکمیت (ولایت)، ربوبیت در تشریح، ربوبیت در اطاعت، ربوبیت در عبادت، ربوبیت در استعانت و ...

از میان شؤون مختلف ربوبیت الهی، ربوبیت در تشریح، حاکمیت و اطاعت در بحث مبانی توحیدی جامعه ولایی کاربرد بیشتری دارند. ربوبیت در تشریح، به معنای قانون گذاری و ربوبیت در حاکمیت و اطاعت به معنای ابلاغ و اجرای تشریح الهی حق انحصاری خداوند است که در جامعه ولایی، از سوی امام به عنوان ولی مأذون الهی، تحقق می یابد. با توجه به اینکه امام، نمی تواند بدون ابزار حکومت، تشریح الهی را در جامعه ولایی اجرا نماید بدین سبب توحید در تشریح و حاکمیت و اطاعت، رابطه تنگاتنگی با حکومت دینی - حکومت ولی مأذون الهی - پیدا می کند. بنابراین اعتقاد به توحید، عقیده ای تاثیر گذار است نه خنثی، به گونه ای که در تمام ابعاد زندگی فردی، اجتماعی، سیاسی و اخلاقی دخالت و نقش دارد و می تواند جامعه سازی و تمدن سازی نماید. به ویژه در تحقق جامعه ولایی که همان حفظ وابستگی های داخلی و نفی وابستگی های خارجی، با محوریت امام است نقش آفرینی نماید. بنابراین، جامعه ولایی با محوریت امام، یکی از مصادیق تحقق ربوبیت الهی است.

۱-۱. اهمیت و ضرورت پژوهش

اهمیت و ضرورت بحث حاضر، در این است که با توجه به نیاز جامعه بشری امروز، به الگوی کارآمد سیاسی در عرصه حکمرانی، تبیین و تحلیل جامعه ولایی و مبانی توحیدی آن ضروری به نظر می رسد. به ویژه اگر این تبیین، با تکیه اندیشه های قرآنی کسی مانند آیت الله خامنه ای باشد که خود به عنوان یکی از مصادیق ولی مأذون الهی، دارای نگرش علمی و فکری نوین، برخوردار از توان مدیریتی کلان در عرصه های سیاسی اجتماعی و غیره است.

۱-۲. پرسش پژوهش

سؤال اصلی و اساسی که ذهن و اندیشه هر محقق را در راستای موضوع این پژوهش به خود مشغول می‌نماید، عبارتست از: جامعه ولایی با تأکید بر آرای تفسیری آیت‌الله خامنه‌ای، دارای چه مبانی و ویژگی‌هاست؟؛ اما سؤالات محوری این پژوهش عبارتند از: الف) بانی جامعه ولایی از دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای، کدامند؟ ب) رابطه بین امام و حکومت اسلامی، در جامعه ولایی چگونه است؟ ج) ویژگی‌های جامعه ولایی در قرآن با تأکید بر آرای تفسیری آیت‌الله خامنه‌ای، کدامند؟

۱-۳. پیشینه پژوهش

در مورد ابعاد موضوع این پژوهش، واقع‌نگاری‌های موردی، تک‌نگاری‌ها و بررسی‌های اجمالی نسبت به بخشی از زوایای آن، انجام گرفته است. در این راستا، بررسی چند مورد از آنها، به شرح زیر ارائه می‌گردد:

الف) کتاب طرح اندیشه اسلامی در قرآن، بیانات مقام معظم رهبری، تدوین و نشر صهبا. مباحث این کتاب، علی‌رغم ارائه موضوعاتی نسبت به اندیشه اسلامی مانند ایمان‌شناسی، پیامبرشناسی و ولی‌شناسی پرداخته است؛ اما این مباحث - به واسطه پیاده شدن نوارهای سخنرانی مقام معظم رهبری - بخشی از ابعاد موضوع این پژوهش را پوشش داده است. همچنین ارائه این مباحث، فاقد روش‌شناسی پژوهشی و سازماندهی علمی است.

ب) مقاله: مقیمی، غلامحسین، (۱۳۹۹) ساختار حکومت اسلامی - ولایی و شبکه درونی آن (با تأکید بر دیدگاه امام خمینی (ره) و امام خامنه‌ای مدظله‌العالی)، مجله فقه و سیاست، فروردین ماه، دوره ۱ شماره ۱.

در این مقاله به ساختار حکومت اسلامی - ولایی از منظر امام خمینی (ره) و امام خامنه‌ای پرداخته و آن را تابع دو دسته ضوابط ثابت و متغیر دانسته و می‌گوید: در یک نگاه منظومه‌ای و گسترده‌تر، نظام سیاسی اسلامی از مجموعه‌ای از نهادهای اجتماعی و سیاسی ترکیب شده است که در یک شبکه ارتباطی مشروعیتی و مشارکتی، ساختار حکومت ولایی شیعی را سامان می‌دهد.

ج) مقاله: خدادادی، محمداسماعیل، جوانی، یدالله، محمود آبادی، محمدحسین، (۱۳۹۸)، بررسی تطبیقی جامعه ولایی و جامعه مدنی غرب، مجله اندیشه ولایت، اسفند ماه، دوره ۵، شمار ۱۰.

در این مقاله به این موضوع پرداخته است که جامعه ولایی از نظر مبانی هیچ توافقی با جامعه مدنی غربی ندارد. در مؤلفه‌ها و ارزش‌ها نیز؛ مفاهیمی مشترک در هر دو جامعه وجود دارد، لکن این مفاهیم، در حد اشتراک لفظی است و از لحاظ محتوایی کاملاً متفاوت می‌باشند. این تفاوت‌ها، ناشی از نگرش هر دو جامعه نسبت به جهان و انسان و مبداء و معاد است.

د) مقاله: شب بویی، حمیدرضا، الله بداشتی، علی، (۱۳۹۸)، رابطه توحید در حاکمیت با ولایت بشری، مجله علمی پژوهشی اندیشه نوین دینی، تابستان، سال ۱۵، شماره ۵۷.

در این مجله مباحثی، مانند رابطه حقیقی و اعتباری توحید در حاکمیت با ولایت بشری، جایگاه توحید در حاکمیت و رابطه توحید با ولایت بشری، همچنین بحث شئون توحید در حاکمیت ارائه شده است. مباحث این مقاله علی‌رغم دارای روش‌شناسی پژوهشی و سازماندهی علمی، اما فاقد ارائه مبحث مجزا و مستقل در مورد موضوع این پژوهش می‌باشد.

با این وصف، علی‌رغم اینکه مباحثی پراکنده، واقع‌نگاری‌های موردی، تک‌نگاری‌ها و بررسی‌های اجمالی در مورد بخشی از ابعاد موضوع این پژوهش ارائه شده است، و به صورت مستقل و با تکیه بر نگاه تفسیری آیت‌الله خامنه‌ای به جامعه ولایی پرداخته نشده است بنابراین آثار و تلاش آنها کافی و رسا نمی‌باشد. در این راستا، در پژوهش حاضر، سعی شده است با استفاده از روش‌شناسی پژوهش و سازماندهی علمی، تبیین و تحلیل منطقی و منصفانه، منسجم و نسبتاً گسترده تری در مورد ابعاد و زوایای موضوع این پژوهش، که کمتر به آن پرداخته شده است، ارائه دهد و با نگاه قرآنی و با استناد به اندیشه‌های تفسیری آیت‌الله خامنه‌ای به مبانی و ویژگی‌های جامعه ولایی پردازد.

۲. مفهوم‌شناسی

منظور از مبانی، در لغت، جمع مبنا به معنای اصول و بنیان‌ها و شالوده است (ر.ک؛ طریحی، ۱۳۷۵ش، ج ۱: ۶۴) و در اصطلاح، به معنای خاستگاه فکری و نظری مانند پیش فرض‌ها، باورهای اعتقادی یا علمی است که در پایه‌ریزی یک طرح یا برنامه مورد استناد قرار می‌گیرند.

برای مفهوم ولایت، در کتاب‌های لغت، معانی مختلفی مانند محبت، نصرت، سرپرستی، قرب و... (ر.ک؛ فیومی، ۱۴۱۴ ق، ج ۲: ۶۷۲) بیان شده است که به نظر می‌رسد کاربرد معنای سرپرستی در بحث زعامت سیاسی و حکومت، طرفداران بیشتری دارد (ر.ک؛ منتظری، ۱۴۰۹ ق، ج ۱: ۷۲). که این امر با معنای حکومت نیز یکسان است. در قرآن نیز حکومت و حاکمیت، با واژه ولایت به معنای سرپرستی بیان شده است (ر.ک؛ حائری، بی تا: ۱۷۸) ناگفته نماند، ولایت در بحث حکومت دینی، به معنی حق سرپرستی است نه سرپرستی صرف، علامه طباطبائی در این باره می‌نویسد: «فالمحصل من معنی الولاية فی موارد استعمالها هو نحو من القرب یوجب نوعا من حق التصرف و مالکية التدبیر» (طباطبائی، ۱۳۷۱، ج ۶: ۱۲) آنچه که از معنای ولایت در موارد استعمالش به دست می‌آید نوعی از قرب و نزدیکی است که موجب نوعی از حق تصرف و مالکیت و تدبیر می‌شود. اما ولایت در اصطلاح قرآنی با تکیه بر آرای تفسیری آیت‌الله خامنه‌ای، عبارت است از: «به هم پیوستگی و هم‌جهگی و اتصال شدید به یک عده انسانی که دارای یک فکر واحد و جویای یک هدف واحدند» (حسینی خامنه‌ای، ۱۳۹۲: ۵۲۰). این هم‌پیوستگی از طریق ارتباط مستحکم و نیرومند هر یک از آحاد امت اسلام، با امام به عنوان قلب امت اتفاق می‌افتد. از این رو، ولایت به این معنا در جامعه مومنان که از آن به جامعه ولایی تعبیر می‌شود، شکل می‌گیرد.

منظور از جامعه ولایی در نگاه تفسیری آیت‌الله خامنه‌ای، نیز جامعه‌ای است که در آن ولایت به معنای هم‌پیوستگی از طریق ارتباط مستحکم و نیرومند هر یک از آحاد امت اسلام، با امام به عنوان قلب امت اتفاق بیفتد و جبهه واحدی را از مومنان و موحدان در برابر دشمنان و بیگانگان شکل دهد. به عبارت دیگر جامعه ولایی، جامعه‌ای است که دارای سه ویژگی مهم، حفظ وابستگی‌های داخلی و نفی وابستگی‌های خارجی و وجود امام و ولی امت می‌باشد.

۳. مبانی جامعه ولایی در قرآن با تأکید بر آرای تفسیری آیت‌الله خامنه‌ای

در این قسمت از بحث، به مبانی جامعه ولایی با تأکید بر آرای تفسیری آیت‌الله خامنه‌ای، پرداخته می‌شود.

۳-۱. مبنای توحیدی جامعه ولایی با تأکید بر آرای تفسیری آیت‌الله خامنه‌ای

توحید به معنای یکتا و یگانه دانستن؛ یا اعتقاد به یکتایی و یگانگی خداوند است. توحید به سه قسم تقسیم می‌شود: ذاتی، صفاتی و افعالی؛ «توحید افعالی نیز به سه قسم کلی تقسیم می‌گردد: توحید در خالقیت، توحید در ربوبیت و توحید در مالکیت. توحید در ربوبیت نیز دارای فروع و شؤون مختلف است که عبارتند از: توحید در ولایت و حاکمیت، توحید در تشریح، توحید در اطاعت، توحید در عبادت، توحید در استعانت، توحید در محبت، توحید در مغفرت و شفاعت و توحید در خوف و رجاء» (سبحانی، ۱۴۱۱ق: ۱۰۵). ناگفته نماند، تفاوت فروع و شؤون مختلف ربوبیت با یکدیگر، با خود توحید در ربوبیت، از باب تفاوت در حیثیات، یعنی از حیث مفهوم است، نه مصداق؛ چون مصداق تمام این فروع و شؤون مختلف ربوبیت همان خداوند خالق و رب است؛ که ربوبیت خود را از حیثیات متفاوت اعمال می‌کند. یعنی بعد از آفرینش عالم هستی، تدبیر و اداره آن مطرح است و خداوند برای اعمال ربوبیت و تدبیر عالم، از ساز و کارهای ویژه و متفاوتی استفاده می‌کند؛ که باعث اعتبار فروع و شؤون مختلف ربوبیت، می‌شود. با این وصف، به اعتبار حالات مختلف تدبیر شوندگان، ربوبیت خداوند نیز به اقسام گوناگون تقسیم می‌گردد؛ اما این فروع و شؤون مختلف ربوبیت، از لوازم ربوبیت محسوب می‌شود. ولی مهم‌ترین شؤون توحید در ربوبیت، توحید در تشریح به معنای حق قانون‌گذاری و توحید حاکمیت و ولایت به معنای حق سرپرستی است. یکی از محققان در این باره می‌نویسد: «ان التوحید فی الحاکمیه من شوون التوحید فی الربوبیه» (سبحانی، ۱۴۱۱ق، ج ۲: ۷۳). توحید در حاکمیت از شؤون توحید در ربوبیت است.

این حاکمیت و ولایت انحصاری خداوند، که به معنای حق سرپرستی اوست به دو شکل ولایت تکوینی و ولایت تشریحی تحقق می‌یابد؛ یکی از محققین در این باره می‌نویسد: «تقسیم ولایت به تشریحی و تکوینی در واقع تقسیمی است که به تبع تقسیم مولی علیه انجام می‌شود اگر مولی علیه امر تکوینی باشد ولایت ولی، ولایت بر تکوین و اگر امر تشریحی باشد ولایت بر تشریح است» (جوادی آملی، ۱۳۶۷ش: ۲۱۵). به عبارت دیگر ولایت تکوینی خداوند، تصرف و تأثیرگذاری خداوند در طبیعت، با اسباب گوناگون است. ولایت تشریحی، تصرف و تأثیرگذاری خداوند در امور اعتباری که به انسان و حیات انسانی مربوط شود می‌باشد. علامه طباطبائی در این

باره می نویسد: «هی القیام بالتشریح و الدعوه والتریه لامه و الحکم فیهم و قضاء فی امرهم؛» (طباطبائی، ۱۳۷۱، ج ۶: ۱۲) ولایت تشریحی، قانون گذاری و دعوت و تربیت امت و حکومت و قضاوت در امور امت است. یعنی ولایت تشریحی، به انسان و حیات انسانی مربوط شود و بازگشت آن به ربوبیت تشریحی خداوند است. در ادامه، ولایت تشریحی را که به بحث ما ارتباط بیشتری پیدا می کند با نگاه تفسیری آیت الله خامنه ای پی می گیریم:

طبق آرای قرآنی و نگرش توحیدی آیت الله خامنه ای، قوانین جامعه و نوع روابط فردی و اجتماعی انسان ها، باید از خدا الهام بگیرد: «آن کسی که در جامعه اسلامی حق امر و نهی و فرمان، حق اجرای اوامر و حق فرمان دادن و معین کردن خط مشی جامعه و خلاصه حق تحکم در همه خصوصیات زندگی انسان ها را دارد، خداست، والله ولی المومنین؛» (حسینی خامنه ای، ۱۳۹۲: ۵۷۶) ایشان در پاسخ به این سؤال که چرا ولایت امر، در اختیار خدا و برای خداست؟ با استناد به آیه ۱۳ سوره انعام؛ «وَلَهُ مَا سَكَنَ فِي اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ؛ از آن اوست هر چه در شب و روز جای دارد» می گوید: «کسی که همه پدیده های خلقت برای اوست و حکومت تکوینی برای همه چیز، در اختیار اوست حکومت قانونی و تشریحی هم باید در اختیار او باشد» (حسینی خامنه ای، ۱۳۹۲: ۵۸۶). در این راستا، برای تبیین بیشتر بحث، می توان به آیات زیر استناد نمود:

الف) أَمْ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِهِ أَوْلِيَاءَ فَاللَّهُ هُوَ الْوَلِيُّ وَهُوَ يُحْيِي الْمَوْتَىٰ وَهُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ؛

آیا به جای خداوند سرپرستان دیگری گرفته اند، با آنکه تنها خدا سرپرست (واقعی) است و اوست که مردگان را زنده می کند و اوست که بر هر کاری تواناست. (شورا/ ۹).

آیت الله خامنه ای در تفسیر این آیه، می گوید: «ولی مطلق خدا است؛ زیرا فرض عمده در اتخاذ ولی، رهایی از عذاب جهنم و رسیدن به بهشت است. از آنجا که مالک قیامت، که مرده ها را زنده جمع می کند، خداست. پس او باید ولی باشد «وَهُوَ يُحْيِي الْمَوْتَىٰ» و از آنجا که ولی باید قدرت بر تمام شؤون مولی علیه داشته باشد و چنین کسی غیر از خدا نیست، پس او باید ولی مردم باشد؛ چون قدرت دیگران به مقداری است که خدا به آنها داده است؛» (حسینی خامنه ای، ۱۳۹۲: ۳۸).

ب) همچنین قرآن می فرماید: قُلْ مَنْ رَبُّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ قُلِ اللَّهُ قُلْ أَتَّخَذْتُمْ مِنْ دُونِهِ أَوْلِيَاءَ لَا يَمْلِكُونَ أَنْفُسِهِمْ نَفْعًا وَلَا ضَرًّا قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الْأَعْمَىٰ وَالْبَصِيرُ أَمْ هَلْ تَسْتَوِي الظُّلُمَاتُ وَالنُّورُ أَمْ

جَعَلُوا لِلَّهِ شُرَكَاءَ خَلَقُوا كَخَلْقِهِ فَتَشَابَهَ الْخَلْقُ عَلَيْهِمْ قُلِ اللَّهُ خَالِقُ كُلِّ شَيْءٍ وَهُوَ الْوَاحِدُ الْقَهَّارُ؛ (رعد/ ۱۶).

بگو: پروردگار آسمان و زمین کیست؟ بگو: خداست. بگو: پس چرا جز او، چیزهایی را که مالک هیچ سود و زیانی برای خویشتن نیستند سرپرست گرفته‌اید؟ بگو: آیا نابینا و بینا با هم برابرند؟ یا آیا تاریکی‌ها و روشنایی یکسانند؟ یا مگر برای خدا شریکانی قرار داده‌اند که مانند آفریدن خدا (چیزی) آفریده و این آفرینش بر آنان مشتبّه شده است؟ بگو: خداوند، آفریدگار هر چیزی است و اوست یگانه‌ی قهار.

یکی از محققین در تفسیر آیه فوق می‌نویسد: «خالقیت جهان نشانه حاکمیت بر آن و حاکمیت بر جهان، دلیل بر توحید ولی و شفیع و معبود است.» (مکارم شیرازی و همکاران، ۱۴۱۰ق، ج ۱۷: ۳۷۲).

ج) همچنین می‌فرماید: قُلْ مَنْ يَرْزُقُكُمْ مِنَ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ أَمَّنْ يَمْلِكُ السَّمْعَ وَ الْأَبْصَارَ وَ مَنْ يُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ وَ يُخْرِجُ الْمَيِّتَ مِنَ الْحَيِّ وَ مَنْ يُدَبِّرُ الْأَمْرَ فَسَيَقُولُونَ اللَّهُ فَقُلْ أَفَلَا تَتَّقُونَ؟

بگو: چه کسی از آسمان و زمین شما را روزی می‌دهد؟ یا چه کسی مالک گوش و چشم‌هاست؟ و چه کسی زنده را از مرده و مرده را از زنده بیرون می‌آورد و چه کسی کار هستی را سامان می‌دهد؟ (در پاسخ) خواهند گفت: خدا. پس بگو: آیا از کیفر پرستش غیر خدا پروا نمی‌کنید؟ (یونس / ۳۱).

آیت‌الله خامنه‌ای، در تفسیر این آیه شریفه بیان می‌کند: «أَفَلَا تَتَّقُونَ؟ آیا تقوا و پروا نمی‌کنید، یعنی چه؟ یعنی پروا نمی‌کنید از این خدای عظیم، از این خدای عظمت آفرین، که غیر او را در اطاعت، در عبودیت شریک او قرار می‌دهید؟ ببینید اگر تدبیر تکوینی عالم به دست اوست، چرا تدبیر تشریحی به دست او نباشد؟» (حسینی خامنه‌ای، ۱۳۹۲: ۲۳۳).

با توجه به مباحث مطرح شده، می‌توان گفت؛ بین ولایت تشریحی خدا و امامت، رابطه تنگاتنگی وجود دارد؛ زیرا ولایت تشریحی خدا که همان تدبیر تشریحی اوست جز از طریق امام ماذون، اعمال نمی‌شود. اما سوال این است که امام چگونه می‌تواند نقش امامت خود را به عنوان مجری تشریح الهی در جامعه ولایی ایفا نماید و تمام استعدادهای انسانی را در چارچوب تشریح الهی و ارزش‌های الهی رشد دهد؟ مسأله مهمی است که در ادامه به آن می‌پردازیم.

۲-۳. رابطه بین امام و حکومت اسلامی، در جامعه ولایی با تأکید بر آرای تفسیری آیت‌الله خامنه‌ای

با توجه به مبنای توحیدی جامعه ولایی، و پیوند بین ولایت تشریحی خدا و امام، این سؤال اساسی مطرح می‌شود که امام چگونه می‌تواند ولایت تشریحی خداوند را در جامعه ولایی اجرا و اعمال نماید؟ آیا بدون ساز و کار حکومت امکان پذیر هست؟

به نظر می‌رسد بین امامت و حکومت باید رابطه تنگاتنگی وجود داشته باشد؛ زیرا ولایت و امامت که همان تدبیر تشریحی جامعه ولایی است جز از طریق تشکیل حکومت توسط ولی مآذون اوست، میسر نمی‌شود. در آرای تفسیری آیت‌الله خامنه‌ای، نیز به این مسأله توجه شده است ایشان بعد از تقسیم ولایت قرآنی بر دو قسم؛ ولایت فردی و اجتماعی، درباره ولایت اجتماعی می‌گوید: «ولی در آن جامعه اولاً مشخص باشد...، ثانیاً: منشا و الهام‌بخش همه نیروها، نشاطها و فعالیت‌های آن جامعه باشد...، همچنین مرکزی باشد که همه فرمان‌ها را می‌دهد و همه قانون‌ها را اجرا می‌کند؛ این جامعه جامعه دارای ولایت است... جامعه اسلامی بعد از پیغمبر، ۲۵ سال دارای ولایت نبود، بعد از اینکه امیرالمؤمنین رسید به حکومت، جامعه اسلامی شد دارای ولایت» (حسینی خامنه‌ای، ۱۳۹۲ش: ۵۶۴) بر این اساس، ولایت اجتماعی در جامعه ولایی هم نیازمند امام است هم نیازمند حکومت ولایی. حکومت ولایی، حکومتی است که مردم آن، با ایمان، آگاهی، بصیرت و اعتقاد قلبی، امام و پیشوایی را می‌پذیرند و عاشقانه به سوی او می‌شتابند؛ و او را در مسند حاکمیت سیاسی جامعه قرار می‌دهند. جامعه ولایی، با چنین امام و حکومتی زنده و پویاست، و الا جامعه بدون ولی، جامعه‌ای مرده و ظلمانی است. چنان که در روایت آمده است: «مَنْ مَاتَ وَ لَمْ يَعْرِفْ إِمَامَ زَمَانِهِ مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً»؛ هر کس امام زمانش را نشناسد و در همان حال بمیرد، به مرگ جاهلی مرده است (ر.ک؛ صدوق، ۱۳۹۵ق، ج ۲: ۴۰۹).

بنابراین مبنای محوریت امام در جامعه ولایی، توحید است. توحید اگر درست تحلیل و شناخته شود ارتباط آن با ولایت و حکومت امام، مشخص می‌شود که در ادامه به تحلیل این مبنا می‌پردازیم:

۳-۳. شرایط تحقق ولایت تشریحی خداوند با محوریت امام در جامعه ولایی

ولایت تشریحی خداوند در جامعه ولایی، با تشکیل حکومت الهی با محوریت امام (ولی مأذون الهی)، تحقق می‌یابد. به عبارت دیگر ولایت تشریحی خداوند، با دو شرط تحقق عینی می‌یابد، که عبارتند از: ابلاغ تشریح الهی و اجرای تشریح الهی. ابلاغ تشریح الهی، در جامعه ولایی، با نزول کتاب آسمانی با واسطه انسان‌های کامل - انبیاء -، محقق می‌شود. صدر المتألهین در این مورد می‌گوید: «ذلک القانون هو الشرع و لابد من شارع یعین لهم منهجا یسلکونه لانتظام معیشتهم فی الدنیا یسن لهم طریقاً یصلون به الی الله و یفرض علیهم ما یدکرهم امر الآخرة ... و لابد ان یکون انسانا لان مباشرة الملك لتعلیم الانسان علی هذا الوجه مستحیل و درجه باقی الحيوانات انزل من هذه» آن قانون (در زندگی اجتماعی) شریعت است و باید قانون‌گذاری باشد که روشی را برای افراد جامعه مشخص کند تا زندگی خود را در این دنیا تنظیم کنند و راهی را برایشان تعیین کند که به وسیله آن به خدا برسند و چیزی را بر آنها واجب کند که موضوع آخرت را به آنها یادآوری می‌کند... این قانونگذار باید انسان باشد زیرا فرشته‌ای که مستقیماً تربیت انسان را به این شکل بر عهده بگیرد غیرممکن است و سطح بقیه حیوانات هم که پایین‌تر از فرشته است (ر.ک؛ ملاصدرا، ۱۳۸۸ق: ۳۶۰).

از این رو، ابلاغ تشریح الهی باید از طریق غیر خدا، یعنی انسانی از جنس بشر، برگزیده الهی و از انسان‌های کامل صورت گیرد؛ همچنان که کلام زیر از امام صادق علیه‌السلام در پاسخ کسی که اثبات نبوت را از وی خواسته بود، مؤید این امر است: ((ما، چون ثابت کردیم خدایی حکیم، خالق ماست و بس؛ خدا متعالی‌تر از آن است که دست کسی به او برسد و بتواند با او گفتگو کند، می‌دانیم که باید فرستادگانی در میان مردم داشته باشد که از جانب او سخن بگویند و خواست خدا را بیان کنند و ... (ر.ک؛ کلینی، ۱۴۱۱، ج ۱: ۱۶۸).

اما اجرای تشریح الهی، بدون وجود امام و تشکیل حکومت اسلامی و پذیرش آن توسط مردم امکان‌پذیر نیست. اما پرسش اساسی این است، چه کسی باید حکومت اسلامی را تشکیل دهد و قانون و تشریح الهی را در مورد دیگران اجرا نماید؟ همان‌گونه که بیان شد تحقق حاکمیت در

جوامع بشری برای اجرای احکام و تشریح الهی، نیازمند تعامل و ارتباط ملموس، مادی و طبیعی با آحاد جامعه است، در حالی که چنین ارتباطی از سوی خداوند و فرشتگان امکان پذیر نیست.

علامه طباطبائی در این باره می‌فرماید: «جای شک و تردید نیست که خدای آفرینش، که از هر جهت بالاتر از تصور ماست، مانند ما تفکر اجتماعی ندارد؛ این سازمان قراردادی آقایی و بندگی، فرمانروایی و فرمانبری، امر و نهی و مزد و پاداش در بیرون از زندگی اجتماعی ما وجود ندارد و دستگاه خدایی همانا دستگاه آفرینش است ...» (طباطبائی، ۱۳۷۹ ش: ۱۹). آیت‌الله خامنه‌ای، نیز در این باره می‌گوید: «یعنی چه حاکم خداست؟ خدای متعال که با مردم روبه‌رو نمی‌شود تا امر و نهی بکند، انسان‌ها احتیاج دارند که یک انسانی بر آنها حکومت بکند ... این انسان چه کسی باشد؟» (حسینی خامنه‌ای، ۱۳۹۲ ش: ۵۷۷).

بر این اساس، جامعه ولایی به حاکمی از جنس بشر نیاز دارد تا نظام جامعه را حفظ کند و قوانین الهی را اجرا کند؛ اما این حاکم چه کسی است؟، از آنجایی که؛ اجرای قانون در جامعه نوعی دخالت در حیطه اختیارات دیگران است؛ از این رو، هیچ کس حق ندارد بدون برخورداری از مشروعیت الهی، بر دیگران فرمان‌روایی کند. چون در نگرش توحیدی، دخالت در امور دیگران، از اختیارات انحصاری ولی حقیقی انسان‌ها یعنی خداوند است؛ نه دیگران اما خداوند این ولایت انحصاری خود را از طریق اذن که به افرادی خاص به نام امام جامعه می‌دهد، اعمال می‌کند؛ نه آنکه خود به شکل انسان‌ها در آید و بر آنان حکم براند.

۳-۴. مصادیق حاکمان مأذون الهی، در جامعه ولایی

در پاسخ به این پرسش که چه کسانی در جامعه ولایی، از اذن تشریحی خداوند برای حکومت و امامت، برخوردارند در میان اندیشمندان اسلامی دو دیدگاه کلی وجود دارد:

دیدگاه اول: خداوند به هیچ کس اذن تشریحی خاص نداده و اجرای قوانین را به عهده خود مردم گذاشته است و امام جامعه، مردم‌اند - این گروه با توجه به قبول اصل تشریح الهی، اجرای آن را حق مردم می‌دانند که از طرف خداوند به آنان داده شده است. این دیدگاه توسط افرادی چون

مهدی حائری در کتاب حکمت و حکومت و مهندس مهدی بازرگان در کتاب آخرت و خدا، هدف رسالت انبیاء و دکتر عبدالکریم سروش در مقاله تحلیل مفهوم حکومت دینی، در ماهنامه کیان، تبیین شده است.

دیدگاه دوم: خداوند به انبیا و ائمه، اذن تشریحی خاص و به فقهای واجد شرایط اذن عام داده است. یعنی امام جامعه، پیامبران، امامان معصوم و ولی فقیه هستند. این دیدگاه توسط مشهور فقهاء مطرح شده است که از جمله آنها امام خمینی است که در کتاب ولایت فقیه به تبیین آن پرداخته است.

۳-۴-۱. بررسی دیدگاه اول

برای دیدگاه اول، دو تفسیر توسط طرفداران آن، ارائه شده است

۳-۴-۱-۱. تفسیر اول

تفویض عام؛ یعنی واگذاری ولایت خداوند به مردم عام بوده و شامل تمام زمانها می شود.

۳-۴-۱-۲. تفسیر دوم

تفویض خاص؛ یعنی واگذاری ولایت خداوند به مردم خاص بوده و فقط در زمان غیبت، این حق به مردم واگذار شده است.

الف) مبنای تفسیر اول: (تفویض عام)؛ تفسیر اول به این مبنا باز می گردد؛ که انبیاء شأنی جز رسالت و نبوت ندارند؛ یعنی وظیفه آنها تنها دریافت و تلقی وحی و ابلاغ آن به مردم است؛ و وظیفه اجرای آن در جامعه بر عهده آنان نیست و دلیلی برای اثبات شأن ولایت و امامت آنان وجود ندارد. و اعمال ولایت پیامبر اسلام یا برخی انبیا با تشکیل حکومت، از باب ضرورت بوده است نه وظیفه. طبق این مبنا، خداوند اعمال ولایت تشریحی خود را به عهده خود مردم گذاشته است؛ تا خود، به هر شکلی که خواستند، آن را در جامعه اجرا نمایند. و شکل اجرای این حق، به رأی و قرارداد مردم بستگی دارد؛ چون خداوند مردم را در این امور آزاد گذاشته است. یکی از طرفداران این مبنا می گوید: «عمل و رسالت پیامبران در دو چیز خلاصه می شود: الف) انقلاب عظیم و فراگیر علیه خودمحموری انسانها، برای سوق دادن آنها به سوی آفریدگار جهانیان. ب) اعلام دنیای آینده جاودان، بی نهایت

و بزرگتر از دنیای فعلی...؛ یعنی وقتی به قرآن می‌نگریم، می‌بینیم احراز حکومت یا سلطنت از طرف حضرت خاتم انبیا و بعضی از پیامبران یهود، عمومیت به همه پیامبران نداشته است؛ زیرا با توجه به تعداد کثیر انبیای غیر حاکم، احراز حکومت یک امر استثنایی محسوب می‌شود. چونکه اصولاً نبوت و حکومت دو امر یا دو شغل کاملاً مجزا و متفاوت، با دو منشا یا دو مبنای مختلف غیر قابل تلفیق در یکدیگر می‌باشند؛ لذا مراجعه و مصالحه و مشورت با مردم در آن را شدیداً منع و بلکه ملامت می‌کند» (بازرگان، ۱۳۷۷ش: صص ۴۸ و ۵۶).

دیگر از طرفداران این مبنا می‌نویسد؛ «رأیی که ما درباره شیوه حکومت کردن اتخاذ می‌کنیم - بر روی رأی مان -، در باب اینکه حکومت حق کیست، تأثیر می‌گذارد. اگر گفتیم شیوه موفق حکومت این است که ناظرانی بیرونی بر کار حاکم نظارت کنند؛ با در این صورت، با حقوق خاصی را برای مردم قائل شده‌ایم و مردم با این حقوق، با تکالیفی که در عزل حاکم پیدا می‌کنند، در انتخاب حاکم هم دخالت خواهند کرد و به این پرسش که چه کسی باید حکومت کند، جواب خواهند داد، کسی می‌تواند حکومت کند که ما او را بر می‌گزینیم». (سروش، ۱۳۷۵ش: صص ۱۵ - ۲).

در نقد تفسیر مذکور، می‌توان گفت: پذیرش این دیدگاه، لوازمی دارد که قابل پذیرش نیست و آن نفی توحید از طریق نفی ولایت تشریحی خداوند است، زیرا در نگرش توحیدی همان-گونه که تشریح و ابلاغ آن در انحصار خداوند است اجرای آن نیز، در انحصار اوست و او اجرای تشریح خود، را تنها با دادن مقام امامت و ولایت به افراد خاص، اعمال می‌نماید. بنابراین، دخالت مجریان فاقد إذن الهی؛ یعنی عموم مردم با ولایت تشریحی خداوند منافات دارد.

یکی از محققین نیز، در نقد این دیدگاه می‌نویسد: «پیامبر اسلام علاوه بر پیشوایی دین، رهبر سیاسی نیز به شمار می‌آمد، همچنین این سمت را برخاسته از نبوت خویش می‌دانست...؛ بنابراین، کوتاه‌نظری است که برخی پنداشته‌اند پیامبر اسلام به دلیل پیامبر بودن، زعامت سیاسی امت را بر عهده نگرفت، بلکه چون مردم او را شایسته‌ترین خود دیدند، برای این سمت برگزیدند». (معرفت، بی تا: ۵۷).

با این وصف، نمی‌توان ربوبیت تکوینی خدا را پذیرفت؛ اما ربوبیت تشریحی او را انکار کرد. یا ربوبیت را به صورت ناقص و در حد تشریح امور اخروی خلاصه کرد؛ یا تشریح الهی در امور سیاسی و اجتماعی را منکر شد و آن را بدون دلیل بر عهده مردم گذاشت. بنابراین نه دلیل و پشتوانه عقلی و نه نقلی برای اثبات تفسیر اول موجود نیست؛ بلکه برای اذن تشریحی پیامبران و ائمه، ادله زیادی وجود دارد که با بیان آنها در ضمن دیدگاه دوم، ضعف و سستی ادعای اول بیشتر روشن می‌شود.

ب) مبنای تفسیر دوم: (تفویض خاص)؛ مبنای این تفسیر این است که اصل بر عدم ولایت غیر خداست؛ مگر اینکه دلیل بر اثبات ولایت غیر خدا وجود داشته باشد. در عصر حضور، ادله فراوان وجود دارد مبنی بر اینکه این حق به امامان معصوم واگذار شده است. اما در عصر غیبت، دلیلی وجود ندارد که خداوند ولایت خویش را به شخص خاصی واگذار کرده باشد؛ پس حق ولایت خداوند در عصر غیبت به عموم مردم تفویض شده؛ تا با انتخاب آزاد خود، این حق را اعمال کنند یعنی به فرد یا افرادی خاص، وکالت دهند؛ تا بر آنان حکومت کنند. به عبارت دیگر، این نظریه، که به نظریه انتخاب معروف است، می‌گوید: در زمان حضور معصوم، زمامداری به عهده آنان است. اما در زمان غیبت فقط صفات و شرایط افراد صالح، توسط پیشوایان آسمانی تعیین گردیده و گزینش فردی از میان افراد صلاحیت‌دار، به عهده رأی اکثریت و انهاده شده است. طبق این نظریه، انتخاب و رأی مردم در ردیف شرایطی همچون فقاها و عدالت قرار گرفته است و با نبود آن، مشروعیت فقیه (حاکم) از بین می‌رود. طرفداران تفسیر دوم یعنی تفویض خاص، برای اثبات مدعای خود ادله متعددی اقامه کرده‌اند، که مشروح آنها در کتاب دراسات فی ولایه الفقیه آمده است (منتظری، ۱۴۰۹ق). اما بیان تفصیلی آن در این تحقیق، لازم نیست؛ ولی در اینجا تنها به این نکته اشاره می‌شود که ادله طرفداران تفسیر دوم، در صورتی معتبر است که برای نصب ولی و حاکم دینی از جانب خداوند ادله مستحکمی وجود نداشته‌اشد؛ در حالی که هم ادله عقلی و هم نقلی برای انتصابی بودن اصل ولایت فقیه در زمان غیبت وجود دارد که در جای خود مطرح شده است (امام خمینی: ۱۳۷۹) و در دیدگاه دوم نیز اشاره مختصری به آن خواهد شد.

۳-۴-۲. بررسی دیدگاه دوم

این دیدگاه که با آرای تفسیری آیت‌الله خامنه‌ای، نیز هماهنگ است؛ می‌گوید: خداوند برای اعمال ولایت تشریحی خود، به انبیا اذن خاص، داده و به فقهای واجد شرایط، اذن عام داده است؛ تا در حد حفظ مصالح اسلام و مسلمین و در محدوده قوانین الهی، اعمال ولایت نمایند، یعنی زمامداری انسان حق ویژه خداست که به وسیله منصوبان خدا - آنانکه با معیارها و الگوهای تعیین شده در احکام الهی از همه کس منطبق‌ترند -، به مرحله تحقق در می‌آید و به وسیله آنها، نظام الهی پاسداری و مقررات الهی اجرا می‌گردد. آیت‌الله خامنه‌ای در این باره می‌گوید: «یک ولی را خدا با نام می‌گوید، یک ولی را خدا با نشان می‌گوید» (حسینی خامنه‌ای، ۱۳۹۲: ۵۶۶). همچنین می‌گوید: «آن فقیهی که جانشین امام منصوص است، خود امامی است؛ منتها امامی است که با نام، معین نشده با نشان، یعنی هر کس که این نشان، بر او تطبیق کرد او می‌شود امام» (حسینی خامنه‌ای، ۱۳۹۲: ۵۴۳).

مبنای این دیدگاه، این است، که انبیاء علاوه بر شان رسالت، دارای شأن امامت و ولایت نیز می‌باشند. خداوند به آنان اذن داده تا علاوه بر ابلاغ تشریح الهی، برای اعمال آن در جامعه، در صورت امکان، اقدام نمایند؛ همچنین ائمه معصومین علیهم‌السلام و فقهای واجد شرایط نیز، دارای شان امامت و ولایت با اذن الهی هستند. ناگفته نماند، شأن ولایت و امامت، یک شان حقیقی نیست، یک شان اعتباری است که از جانب خداوند، برای بعضی از افراد، اعتبار شده است. به همین خاطر ممکن است مردم ولایت او را نپذیرند و با عدم پذیرش و اطاعت مردم، به مرحله فعلیت نرسد و در حد قوه، باقی بماند. بنابراین، لازمه اعمال ولایت تشریحی، پذیرش و اطاعت اختیاری مردم است؛ البته مردم نیز بر اساس توحید در اطاعت، مکلفند تنها از ولی ماذون، اطاعت نمایند؛ («وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ رَسُولٍ إِلَّا لِيُطَاعَ بِإِذْنِ اللَّهِ...» (نساء / ۶۴) و ما هیچ پیامبری را نفرستادیم مگر برای آنکه با اذن خداوند فرمان برده شود).

در همین راستا آیت‌الله خامنه‌ای، در تبیین آیه ولایت می‌گوید: «إِنَّمَا وَلِيكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ؛ آن کسی که عملاً در جامعه زمام فرمان را به دست می‌گیرد، رسول اوست؛ وقتی پیامبر از دنیا رفت ... وَالَّذِينَ آمَنُوا؛ مومنان ولی شما هستند. مومنانی که نشانه خاصی دارند - که امامان هستند». (حسینی خامنه‌ای، ۱۳۹۲: ۵۷۸) به عبارت دیگر ایشان معتقد است، این مرکز فرماندهی و این امام را باید خداوند تعیین نماید، خداوند، پیامبران و امامان معصوم را به صورت خاص نام می‌برد و به آنان اذن

امامت می دهد و فقهاء واجد شرایط را به صورت عام و با بیان ویژگی ها به عنوان امام ماذون خود معرفی می کند. آیت الله خامنه‌ای، برای اثبات تعیین امام با نام، به آیه ۱۲۴ از سوره بقره استناد می کند و می گوید: «خدای متعال به ابراهیم می گوید من تو را امام قرار دادم. امام یعنی آن پیشوا و حاکم و رهبر در یک جامعه». (حسینی خامنه‌ای، ۱۳۹۲ش: ۵۶۶)؛ همچنین به آیه ولایت استناد می کند و در تفسیر آن می گوید: «مراد از این «الَّذِينَ آمَنُوا» که در این آیه است و آیه قبلش که «وَهُمْ رَاكِعُونَ» [است] - آیه ی رکوع [که می گوید] در حال رکوع، انفاق می کنند - امیرالمؤمنین (علیه الصلاه والسلام) است؛ «آمَنُوا» در این آیه هم اشاره ی به همان است»؛ (حسینی خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۹۷/۰۶/۰۷).

آیت الله خامنه‌ای، برای اثبات تعیین امام به نشان، به کلام امام حسن عسکری (ع) استناد می کند که می فرماید: «اما هر یک از فقها که نفس خود را بازدارنده، دین خود را ... نگهدارنده، هوای خود را پس زننده و اوامر مولای خود را اطاعت کننده بود، بر عوام (مردم) لازم است که از او پیروی کنند؛ تنها بعضی از فقهای شیعه هستند که از این صفات برخوردارند، نه همه آنها». (حر عاملی، ۱۳۸۷ش، ج ۱۸: ۹۵) ایشان، با اشاره به این حدیث، می گوید: «آن فقیهی که جانشین امام منصوب است، خود امامی است؛ منتها امامی است که با نام، معین نشده با نشان، یعنی هر کس که این نشان، بر او تطبیق کرد او می شود امام» (حسینی خامنه‌ای، ۱۳۹۲ش: ۵۴۳). بر این اساس، در نگرش توحیدی و با تکیه بر آرای تفسیری آیت الله خامنه‌ای، حق حکومت ولایت، نخست از آن خداوند است؛ چون ولایت تکوینی و تشریحی در انحصار اوست؛ در مرحله بعد، این حق، در اختیار کسانی است که از طرف خداوند، اذن حکومت داشته باشند یعنی مبنای حق در حاکمیت، فرمان الهی است و هر حاکمی که بدون فرمان الهی حاکم شود، نامشروع بوده و اطاعت از او واجب نیست.

با این وصف می توان گفت، حاکمیت از امور ذاتی و حق طبیعی انسان نیست بلکه این امر، امری است که حق اعمال نفوذ در آن برای انسان، بر اساس رضایت مالک اصلی می باشد؛ از این رو، قلمرو حاکمیت فرد بر ذات خود، باید بر اساس معیارهای عقلی و نقلی مشخص گردد. بر این اساس، برای تحقق عینی ولایت و حاکمیت تشریحی خداوند، باید حکومت اسلامی با محوریت امام تشکیل شود و توسط مردم مورد پذیرش قرار گیرد. اما چه کسانی از اذن تشریحی خداوند برای

تشکیل حکومت برخوردارند؟ گرچه برخی معتقدند خداوند به هیچ کس اذن تشریحی خاص نداده و اجرای قوانین را به عهده خود مردم گذاشته است؛ اما در دیدگاه تفسیری مقام معظم رهبری، خداوند به انبیا و ائمه اذن خاص و به فقهای واجد شرایط اذن عام داده است. مبنای این دیدگاه این است؛ انبیا علاوه بر شأن رسالت، دارای شان امامت و ولایت نیز هستند و خداوند نیز به آنان اذن داده، علاوه بر ابلاغ تشریح الهی به مردم، آن را در جامعه اجرا نمایند. همچنین پس از انبیا، ائمه معصومین (ع)، و فقهای واجد شرایط هم از شان امامت و ولایت با اذن الهی برخوردارند.

بنابراین در نگرش تفسیری آیت الله خامنه‌ای، جامعه ولایی با ایجاد حکومت دینی از سوی ولی مآذون الهی، شکل می‌گیرد و ولایت تشریحی الهی در آن اعمال می‌شود. چنین نگرشی، متأثر از باور به ابعاد توحید و پیوند آن با ولایت و امامت و حکومت دینی است. از این رو، بررسی و تبیین موضوع این پژوهش بر اساس روش‌شناسی پژوهش و سازماندهی علمی، می‌تواند تحلیل منطقی مناسبی در مورد موضوع مبانی جامعه ولایی در قرآن با تأکید بر آرای تفسیری آیت الله خامنه‌ای باشد.

۴. ویژگی‌های جامعه ولایی در قرآن با تأکید بر آرای تفسیری آیت الله خامنه‌ای

در این قسمت از بحث، به مبحث ویژگی‌های جامعه ولایی با تأکید بر آرای تفسیری آیت الله خامنه‌ای، پرداخته می‌شود.

۴-۱. ویژگی‌های جامعه ولایی

با توجه به مبنای توحیدی جامعه ولایی روشن می‌شود که امام مآذون، محور اصلی در شکل‌گیری جامعه ولایی است. امام، از یک سو محور پیوستگی مومنان با یکدیگر در داخل جامعه ولایی است و از سوی دیگر محور گسستگی مؤمنان از دشمنانشان و معیار مرزبندی با آنان است. بنابراین در نگاه تفسیری آیت الله خامنه‌ای، جامعه ولایی، جامعه‌ای است دارای سه ویژگی مهم، وجود امام به عنوان ولی امت، حفظ وابستگی‌های داخلی و نفی وابستگی‌های خارجی. در این راستا، هر کدام از ویژگی‌ها در مباحث زیر، مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۴-۱-۱. وجود امام و ولی امت

در نگاه تفسیری آیت الله خامنه‌ای، جامعه ولایی، زمانی شکل می‌گیرد که قدرت متمرکزی به نام امام، وجود داشته باشد؛ امامی که همه نیروهای جامعه از او الهام بگیرند. واژه امام، در لغت، به معنای پیشوا، سرپرست و مقتداست (ر.ک؛ ابن منظور، ۱۴۱۴ ق، ج ۱: ۲۱۳). راغب اصفهانی درباره واژه امامت می‌نویسد: «امام کسی است که به او اقتدا می‌شود، چه شیئی مورد اقتدا انسان باشد که به گفتار و کردارش اقتدا شود یا کتابی باشد یا شیء دیگری، چه این اقتدا حق و صواب باشد و چه باطل و ناصواب» (راغب اصفهانی، ۱۳۹۲ ق: ۲۰). اما امام در اصطلاح قرآنی، گاهی شبیه معنای لغوی، به معنای پیشوا و رهبر، آمده است مانند آیه: «یوم ندعو کلّ أناس یا مأمهم...» (اسرا / ۷۱) روزی که هر گروهی از مرم را با پیشوایشان فرا می‌خوانیم... و گاهی به معنای رهبری به سوی حق یا رهبری به سوی باطل آمده است مانند: وَجَعَلْنَاهُمْ أُمَّةً يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا.... (انبیا / ۷۳) و آنان را پیشوای مردم ساختیم تا (خلق را) به امر ما هدایت کنند... و مانند آیه شریفه وَجَعَلْنَاهُمْ أُمَّةً يَدْعُونَ إِلَى النَّارِ وَيَوْمَ الْقِيَامَةِ لَا يُنصَرُونَ؛ (قصص / ۴۱) و ما آن قوم (ظالم) را پیشوایان (ضلالت و) دعوت به دوزخ قرار دادیم و روز قیامت یاری نخواهند شد. آیت‌الله خامنه‌ای نیز همین معنا را برگزیده و می‌گوید: «امام یعنی پیشوا، حاکم و زمامدار؛ یعنی آن کسی که بر هر جا او برود، انسان‌ها دنبالش می‌روند» (حسینی خامنه‌ای، ۱۳۹۲ ش: ۵۴۳).

امامت در اصطلاح متکلمین به «ریاست دینی و دنیایی» تعریف شده است؛ چنانچه شیخ مفید در تعریف و توصیف امام می‌نویسد: «امام، کسی است که در امور دینی و دنیایی مردم به جانشینی از پیامبر (ص) ریاستی فراگیر دارد». (شیخ مفید، ۱۴۱۳ ق: ج ۱۰، ص ۳۹) یعنی امام، هم ریاست و مرجعیت در امور دینی مردم، و هم مرجعیت در امور دنیایی مردم را بر عهده دارد.

نقش امام در جامعه ولایی، نقش محوری است اگر یک جامعه یا امتی بخواهد از وابستگی داخلی برخوردار باشد و به سوی یک هدف، حرکت کند و بتواند تمام نیروهایش را علیه دشمنان خارجی اش بسیج نماید، نیازمند یک نقطه قدرت متمرکز در متن جامعه ولایی است قدرت متمرکزی که تمام نیروهای داخلی به آن نقطه بیوندند، و از او الهام بگیرند چنین مرکز و محوری همان امام است. با این وصف، «امامت، یعنی همان اوج معنای مطلوب اداره‌ی جامعه در مقابل انواع

و اقسام مدیریت‌های جامعه که از ضعف‌ها، شهوات، نخوت و فزون‌طلبی انسانی سرچشمه می‌گیرد ... و ولایت یعنی حکومتی که در آن ارتباطات حاکم با مردم، ارتباطات فکری، عقیدتی، عاطفی، انسانی و محبت‌آمیز است؛ مردم به او متصل و پیوسته اند؛» (حسینی خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۷۹/۰۱/۰۶).

برای اثبات محوریت امام در جامعه ولایی، آیات و روایات متعددی وجود دارد که یکی از مهم‌ترین آنها آیه ولایت، است، که در آرای تفسیری آیت‌الله خامنه‌ای، نیز بر آن تاکید شده است. آیه ولایت می‌فرماید:

إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ؛ (بقره/ ۲۵۵). «ولی شما فقط خدا، پیامبر و مومنانی هستند که نماز را به پا داشته در رکوع زکات می‌دهند». آیت‌الله خامنه‌ای، با استناد به این آیه می‌گوید: «إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ؛ ولی و قائم امر، آن کسی است که تمام نشاطها و فعالیت‌های جامعه و امت اسلامی به او باید باز گردد و از او الهام بگیرد خداست، خب خدا که مجسم نمی‌شود بیاید بین مردم بنشیند، امر و نهی کند دیگر کی؟ وَرَسُولُهُ؛ پیدا است که بین خدا و رسول هرگز رقابت و تنازع و تنافر هم که نیست. ... خب رسول که همیشه باقی نمی‌ماند، بعد از رسول چه؟ بعد از رسول هم داریم وَالَّذِينَ آمَنُوا؛ آن مومنان؛ کدام مومنان؟ هر کس که ایمان آورد کافی است؟ نه، نشان دارد الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ؛ اقامه نماز کنند وَ يُؤْتُونَ الزَّكَاةَ؛ زکات را هم می‌دهند وَهُمْ رَاكِعُونَ، در حالی که در رکوعند؛ در حال رکوع زکات می‌دهند، یعنی چه کسی؟ یعنی امیرالمومنین علی بن ابی‌طالب به عنوان ولی معین می‌شود» (حسینی خامنه‌ای، ۱۳۹۲ش: صص ۵۴۸ و ۵۴۹) با توجه به اینکه ولایت، ارتباط مستحکم فکری و عملی امت اسلام، با امام است و امام سرمشق امت، در افکار و بینش‌ها و در رفتار و فعالیت‌هاست. با این وصف، ولایت علی، یعنی در افکار و افعال پیرو علی بودن، از علی جدا نشدن و رابطه مستحکم و خلل‌ناپذیر با علی برقرار نمودن.

۴-۱-۲. حفظ وابستگی‌های داخلی

جامعه ولایی، گروهی از مومنانند که ایمان، آنها را با هم پیوسته و متحد می‌کند و با هم مهربانند، به یکدیگر عشق می‌ورزند و با یکدیگر برادرند و اختلافاتشان را با اصلاح ذات‌البین حل می‌کنند. مانند عده‌ای از کوهنوردان که از یک مسیر دشوار و پر خطر کوهنوردی دارند عبور می‌کنند تا به قله برسند. در مسیر حرکت خود نباید جدا جدا حرکت کنند باید از طریق بستن کمربندها به یکدیگر باهم پیوسته شوند تا اگر یکی یا دو نفر خواست سقوط کند بقیه بتوانند او را نگه دارند. مومنان در جامعه ولایی باید اینگونه به هم گره خورده باشند تا هضم نشوند و از بین نروند باید همدیگر را دوست داشته باشند و نسبت به هم متواضع باشند؛ مانند اقلیت شیعیان در میان عالم اسلام در زمان خلفای بنی امیه و بنی عباس که در سایه ولایت و پیوستگی خود را حفظ نموده و به حیات خود ادامه داده‌اند. تاکید اسلام بر اخوت اسلامی و بستن عقد اخوت بین مسلمانان در همین راستا معنا پیدا می‌کند. آیت‌الله خامنه‌ای در این باره می‌گوید: «یکی از کارهایی که پیامبر شاید در همان ماههای اول ورود به مدینه انجام دادند، ایجاد عقد اخوت بین مسلمان‌ها بود؛ یعنی مسلمان‌ها را با هم برادر کردند ... این برادری ابعاد مختلفی داشت که یکی از مهمترین ابعاد آن، همین بود که مسلمان‌ها نسبت به هم احساس برادری بکنند» (حسینی خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۶۸/۰۷/۲۸).

قرآن کریم درباره درباره حفظ وابستگی‌های داخلی می‌فرماید: *يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا مَنْ يَرْتَدَّ مِنْكُمْ عَنْ دِينِهِ فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهَ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ أَذِلَّةٌ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ أَعِزَّةٌ عَلَى الْكَافِرِينَ يُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا يَخَافُونَ لَوْمَةَ لَائِمٍ ذَلِكَ فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَن يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ*؛ (مائده / ۵۴)

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید! هر کس از شما از دین خود برگردد (به خدا ضرری نمی‌زند، چون خداوند در آینده قومی را خواهد آورد که آنان را دوست دارد و آنان نیز خدا را دوست دارند. آنان نسبت به مومنان نرم و فروتن و در برابر کافران سرسخت و قاطعند، در راه خدا جهاد می‌کنند از ملامت هیچ ملامت‌کننده‌ای نمی‌هراسند. این فضل خداست که به هر که بخواهد (و شایسته ببیند) می‌دهد و خداوند وسعت‌بخش بسیار داناست.

آیت‌الله خامنه‌ای، در تفسیر از این آیه می‌گوید: «ذَلِكَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ؛ فروتن هستند در مقابل مومنان؛ این نشانه کمال رابطه و پیوند صمیمانه است ... آنها وقتی در مقابل مردم قرار می‌گیرند

جزء مردمند و با مردمند، برای مردمند؛ قرار می‌گیرند جزء مردمند و با مردمند، برای مردمند؛ خودشان را از میان مردم بیرون نمی‌کشند...» (حسینی خامنه‌ای، ۱۳۹۲ش: صص ۵۴۷ و ۵۴۸).

همچنین برای اثبات ویژگی اول، می‌توان به آیات ۲۹ سوره فتح و ۷۱ سوره توبه استناد نمود:

مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ تَرَاهُمْ رُكَّعًا سُجَّدًا يَبْتَغُونَ فَضْلًا مِنَ اللَّهِ وَرِضْوَانًا سِيمَاهُمْ فِي وُجُوهِهِمْ مِنْ أَثَرِ السُّجُودِ ذَلِكَ مَثَلُهُمْ فِي التَّوْرَةِ...؛ (فتح/ ۲۹).

«محمد فرستاده خدا است و کسانی که با او هستند در برابر کفار سرسخت و شدید، و در میان خود مهربانند، پیوسته آنها را در حال رکوع و سجود می‌بینی، آنها همواره فضل خدا و رضای او را می‌طلبند، نشانه آنها در صورتشان از اثر سجده نمایان است، این توصیف آنها در تورات است...».

وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَيُطِيعُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ أُولَئِكَ سَيَرْحَمُهُمُ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ؛ (توبه/ ۷۱). (مردان و زنان با ایمان، ولی (و یار و یاور) یکدیگرند؛ امر به معروف، و نهی از منکر می‌کنند؛ نماز را برپا می‌دارند؛ و زکات را می‌پردازند؛ و خدا و رسولش را اطاعت می‌کنند؛ بزودی خدا آنان را مورد رحمت خویش قرار می‌دهد؛ خداوند توانا و حکیم است...».

طبق این آیات، مومنان «در جبهه داخلی... همه روی هم اثر می‌گذارند و همه یکدیگر را به سوی خیر و نیکی جذب می‌کنند... همه همدیگر را نگه می‌دارند...، این هم یک جلوه دیگر از جلوه‌های ولایت است که جامعه اسلامی به این صورت است» (حسینی خامنه‌ای، ۱۳۹۲ش: ۶۱). به عبارت دیگر می‌توان گفت: جامعه ایمانی دارای تولی‌اند و مصداق سلم لمن سالمکم... و ولی لمن والاکم؛ هستند. (قمی، ۱۳۸۲ش: ص ۸۹۳). و همه مومنان به سوی یک هدف و یک جهت و یک راه در کنار هم گام بر می‌دارند.

۴-۱-۳. نفی وابستگی‌های خارجی

افراد جامعه ولایی با غیر مومنان (کافران) مرزبندی دارند وابسته به آنها نیستند، افراد این جامعه، ذره‌ای تحت فرمان و تحت تاثیر افکار، اندیشه‌ها و نظریه‌های جبهه مقابل و کسانی که بر ضد آنها می‌اندیشند و عمل می‌کنند قرار نمی‌گیرند. یعنی پیوند جوهری و وابستگی با کافران، معاندان و دشمنان راه خدا بر قرار نمی‌کنند و آنها را هم جبهه خود و در صف خود قرار نمی‌دهند بلکه آنها را رو به روی خود و دشمن و معارض خود می‌دانند. البته منظور، قطع روابط سیاسی یا اقتصادی با تمام اقسام کفار و جبهه مقابل نیست؛ بلکه کافرانی که از لحاظ فکری ضد مومنان هستند بر نابودی دین و ایمان آنان گماشته‌اند و هرگز با آنها مهربان نخواهند شد و در صورت تسلط، آنها را راحت نمی‌گذارند و مانع عمل به وظایف اسلامی آنان می‌شوند (کفار محارب). نمونه عملی آن حضرت ابراهیم و یارانش هستند که به کفار معاصر خود گفتند: *إِنَّا بَرَاءٌ مِّنْكُمْ؛* (ممتحنه / ۶) ما از شما بیزاریم؛ چنانچه ائمه معصومین نیز اینگونه بودند. البته این به معنای انزوای سیاسی امت اسلامی نیست با کافران غیر معاند می‌توان روابط سیاسی و معمولی داشت اما روابط را باید جوری تنظیم کرد که تحت فرمان آنها و تحت تاثیر افکار آنها قرار نگیرند و ولایت و پیوستگی و پیوند جوهری نداشته باشد در یک کلمه رابطه استثماری نباشد بلکه باید به صورت فرادست و بالادست بودن باشد.

آیت‌الله خامنه‌ای در این باره می‌گوید: «ببینید ابراهیم و پیروانش، همراهانش چه کردند؟ شما هم همان کار را بکنید، آنها چه کردند؟ آنها صاف و صریح رو کردند به قوم گمراه زمان خودشان، به بزرگان و عبده طاغوت و الهه دروغین زمان، گفتند ما از شما و خداوندگارتان بیزاریم، ما به شما کفر ورزیدیم و ما از شما رو گرداندیم، میان ما و شما همیشه زمان، بغض و دشمنی، عداوت و خشم و کینه برقرار است؛ فقط یک راه وجود دارد و آن حتی تومنوا الله وحده؛ بیاید داخل منطق فکری ما بشوید، صریحا می‌گوید: مومنین، شما هم مثل ابراهیم عمل کنید» (حسینی خامنه‌ای ۱۳۹۲ش: صص ۵۲۹-۵۳۰).

آیت‌الله خامنه‌ای با اشاره به اینکه امام راحل، به همه یاد داد که خط فاصل میان جوامع اسلامی باید کنار گذاشته شود تنها یک خط فاصل وجود دارد و آن، خط فاصل بین تحقق نظام

اسلامی و تجسم سیاسی اسلام، است در مقابل نظام سلطه‌ای که در رأسش آمریکا است؛ که باید برجسته باشد. ایشان این تعلیم امام راحل را به قرآن و سیره حضرت ابراهیم استناد می‌دهد و می‌گوید: «این عمل امام هم برخاسته‌ی از آیات قرآن است. قَدْ كَانَتْ لَكُمْ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ فِي إِبْرَاهِيمَ وَالَّذِينَ مَعَهُ إِذْ قَالُوا لِقَوْمِهِمْ إِنَّا بُرَاءُ مِنْكُمْ وَمِمَّا تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ كَفَرْنَا بِكُمْ ...؛ برای شما سرمشق خوبی در زندگی ابراهیم و کسانی که با او بودند وجود داشت، در آن هنگامی که به قوم (مشرک) خود گفتند: «ما از شما و آنچه غیر از خدا می‌پرستید بیزاریم؛ ما نسبت به شما کافریم؛ ... مستند به این آیه قرآن... و در آیه دیگری که آن هم در سوره ممتحنه است... خدای متعال گفته «أَنَّمَا يَنْهَاكُمُ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ قَاتَلوُكُمْ فِي الدِّينِ وَآخَرِجُوكُمْ مِنْ دِيَارِكُمْ» تا «أَن تَوَلَّوهُمْ». تنها شما را از دوستی و رابطه با کسانی نهی می‌کند که در امر دین با شما پیکار کردند و شما را از خانه‌هایتان بیرون راندند... و هر کس با آنان رابطه دوستی داشته باشد ظالم و ستمگر است. پس مستند توصیه امام و عمل امام عبارت است از آیات قرآن و نصوص قرآنی؛ در این هیچ تردیدی نیست» (حسینی خامنه‌ای، بیانات: ۱۲/۰۶/۱۴۰).

قرآن کریم در آیه دیگری نیز در باره نفی وابستگی خارجی اینگونه می‌فرماید: يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا الْيَهُودَ وَالنَّصَارَىٰ أَوْلِيَاءَ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ وَمَنْ يَتَوَلَّهُمْ مِنْكُمْ فَإِنَّهُ مِنْهُمْ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ؛ (مائده / ۵۱) «ای کسانی که ایمان آورده‌اید! یهود و نصاری را ولی (و دوست و تکیه گاه خود) انتخاب نکنید! آنها اولیای یکدیگرند؛ و کسانی که از شما با آنان دوستی کنند، از آنها هستند؛ خداوند، جمعیت ستمکار را هدایت نمی‌کند».

آیت‌الله خامنه‌ای، بیان مناسبی در باره آیه مذکور ارائه می‌دهد و می‌گوید: «اولیاء جمع ولی است ولی از ولایت است ولایت یعنی پیوستگی، ولی یعنی پیوسته و پیوند زده. یهود و نصارا را پیوند خوردگان و پیوستگان با خود مگیرید، انتخاب مکنید... وَمَنْ يَتَوَلَّهُمْ مِنْكُمْ؛ هر کس تولی کند با آنان - تولی یعنی ولایت را پذیرفتن، از باب تَفَعَّلَ - هر کس قدم در ولایت آنها بگذارد و پیوند بزند خودش را با آنها... فَإِنَّهُ مِنْهُمْ؛ بی‌گمان او از آنان است» (حسینی خامنه‌ای ۱۳۹۲ش: ۵۴۵).

ایشان همچنين می گوید: (لَا تَتَّخِذُوا عَدُوِّي وَعَدُوَّكُمْ أَوْلِيَاءَ؛ (ممتحنه / ۱) دشمن من و دشمن خودتان را اولیاء، ولی ها نگیرید...؛ یعنی هم جبهه خود ندانید، یعنی خودتان را در صف آنها قرار ندهید...، بلکه روبرو و دشمن و معارض خود ببینید (ر.ک؛ حسینی خامنه‌ای، ۱۳۹۲ش: ۵۲۵) ایشان در جای دیگر، با استناد به آیه ۳۶ سوره نحل که می‌فرماید: «أَنْ أَعْبُدُوا اللَّهَ وَأَجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ» «خدای یکتا را پرستید؛ و از طاغوت اجتناب کنید!» تفسیر مصداقی تری برای ویژگی دوم ولایت، ارائه می‌دهد و می‌گوید: «طاغوت کیست؟ همه‌ی ظالمان، همه‌ی پادشاهان خبیث، در مثل امروزی، همه‌ی رؤسای جمهور مثل اینهایی که امروز در آمریکا و در بعضی از کشورهای دیگر هستند - اینها همان طاغوتند.» (حسینی خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۹۸/۰۱/۱۴) با این وصف، جامعه ولایی در برابر غیر مومنان، تبری دارد و مصداق حَرْبٍ لِمَنْ حَارَبَكُمْ... وَعَدُوٍّ لِمَنْ عَادَاكُمْ؛ (ر.ک؛ قمی، ۱۳۸۲ش: ۸۹۳) است.

با توجه به مباحث مطرح شده روشن گردید، برای رسیدن به جامعه ولایی، سه ویژگی باید لحاظ شود، حفظ وابستگی‌های داخلی و نفی وابستگی‌های خارجی و وجود امام، به عنوان سرمشق و الگوی امت و نقطه الهام بخش، بنابراین ولایت علی بن ابی‌طالب و ائمه، یعنی هم از لحاظ فکر و اندیشه، هم از لحاظ عمل، به علی (ع) و ائمه معصومین پیوسته بودن و پیوندی ناگسستنی داشتن، و از دشمنان علی (ع) و ائمه گسسته بودن است.

بحث و نتیجه‌گیری

با توجه به مباحثی که در این پژوهش، برای پاسخ به سؤال اصلی و در راستای تبیین و تحلیل موضوع این پژوهش "ویژگی‌ها و مبانی جامعه ولایی در قرآن با تأکید بر آرای تفسیری آیت‌الله خامنه‌ای" ارائه گردید؛ نکات زیر را می‌توان به عنوان، دستاورد موضوع این پژوهش بیان نمود:

الف) مبنای محوریت امام در جامعه ولایی، توحید است که با تحلیل و شناخت درست آن، می‌توان ارتباط آن با ولایت و حکومت امام، را مشخص نمود. در آرای تفسیری آیت‌الله خامنه‌ای، توحید، به معنای یگانه دانستن خداوند دارای مراتبی است، که مهم‌ترین مرتبه آن توحید افعالی، است که به شاخه‌های مختلف تقسیم می‌گردد؛ مهم‌ترین آن، توحید در ربوبیت است. ربوبیت نیز دارای شؤون

و مراتب مختلفی است که یکی از مهم‌ترین آن، توحید در ولایت و حاکمیت است. توحید در ولایت نیز به دو بخش تکوینی و تشریحی تقسیم می‌گردد؛ ولایت تشریحی همان ولایت بر تشریح و اجرای آن در میان انسان‌هاست که با حکومت دینی محقق می‌شود. ولایت تشریحی در درجه اول بر عهده خداوند است، اما با توجه به اینکه اعمال ولایت تشریحی خداوند، مستلزم تصرف در افعال انسان‌هاست، این تصرف، به صورت غیرمستقیم، توسط واسطه‌ای میان خدا و مردم به نام امام انجام می‌شود، از این رو، بین توحید در ربوبیت و امامت و ملازمه تنگاتنگی وجود دارد.

ب) اعمال ولایت تشریحی خداوند، توسط امام. بدون در اختیار داشتن ابزار حکومت و پذیرش ولایت او توسط مردم و متابعت از او، امکان پذیر نیست. از این رو، بین امامت و حکومت دینی نیز ملازمه وجود دارد.

ج) امام در جامعه ولایی به عنوان ولی مآذون، در درجه اول پیامبران هستند و در مرتبه بعد ائمه معصوم، سپس در زمان غیبت معصوم، به عهده فقهای واجد شرایط می‌باشد؛ یعنی پیامبر اسلام از سوی خداوند مآذون است تا تشریح الهی را برای مردم بیان کند و در جامعه پیاده نماید. از آنجایی که پیاده کردن قوانین خداوند، نیازمند ابزار مناسب آن یعنی حکومت است، خداوند شان حکومت و ولایت را به او داده تا با تشکیل حکومت، نسبت به اجرای قوانین سیاسی و اجتماعی الهی اقدام کند. و چون اجرای تشریح الهی مربوط به تمام زمان‌هاست، بعد از انبیاء هم به مجری قانون، نیاز است. از این رو، این اذن با استفاده از آیات و روایات متعدد و معتبر، به ائمه معصوم منتقل شده و آنان نیز دارای شان مرجعیت دینی و زعامت سیاسی هستند، و این مسئولیت در زمان غیبت نیز با استفاده از ادله عقلی و نقلی به فقیه واجد شرایط انتقال می‌یابد. بنابراین، اعتقاد به تمام مراتب توحید، به خصوص ربوبیت و ولایت تشریحی، بدون اعتقاد به حکومت دینی در جامعه ولایی امکان‌پذیر نیست؛ زیرا حکومت دینی یعنی اجرای تشریح خداوند در جامعه ولایی توسط کسی که مآذون از طرف خداست. بنابراین، دیدگاه‌هایی که این معنا را بر نمی‌تابند و دین را از سیاست جدا می‌دانند، امری نادرست و مردود است.

د) در آرای تفسیری آیت‌الله خامنه‌ای، جامعه ولایی، جامعه‌ای است که دارای سه ویژگی مهم، حفظ وابستگی‌های داخلی و نفی وابستگی‌های خارجی و وجود امام ولی امت می‌باشد.

ها) در جامعه ولایی، برای پیوند قلب‌های مومنان به یکدیگر و تشکیل یک جبهه‌ی واحد در برابر بیگانه، به یک رهبری نافذ و متمرکز نیاز است؛ که از آن به امام تعبیر می‌شود امامی که آحاد مردم، با ارتقای آگاهی و بینش خود، همچنین با اعتقاد و ایمان قلبی، از روی رغبت و اشتیاق، با او ارتباط عقلانی و عاطفی مستحکمی برقرار می‌کنند؛ و از او اطاعت می‌نمایند.

منابع

قرآن کریم، (۱۳۷۶)، ترجمه محمد مهدی فولادوند، نهران، دارالقرآن الکریم.

ابن منظور، حمد بن مکرم بن علی. أبوالفضل، جمال الدین ابن منظور الأنصاری الرویفی الإفريقي. (۱۴۱۴ ق). **لسان العرب**. الطبعة الثالثة. بیروت: دار صادر.

احمد بن محمد بن علی المقرئ فیومی. (۱۴۱۴ق). **المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر**. قم: دار الهجره.

امام خمینی، روح‌الله. (۱۳۷۸). **سروش ملکوتی (متن وصیت‌نامه سیاسی الهی امام خمینی)**. چاپ دوم. تهران: مؤسسه فرهنگی انتشاراتی حضور.

_____ (۱۳۷۹). **ولایت فقیه**. چاپ دهم. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی ره.

بازرگان، مهدی. (۱۳۷۷). **آخرت و خدا: هدف رسالت انبیا**. تهران: موسسه خدمات فرهنگی رسا.

حائری، مهدی. (۱۳۹۴). **حکمت و حکومت**. انگلیس: شادی.

حسینی خامنه‌ای، سید علی. (۱۳۹۲). **طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن**. تهران: صهبا.

حر عاملی، محمد بن حسن. (۱۳۷۸ق). **وسائل الشیعه الی تحصیل مسایل الشریعه**. چاپ هشتم: انتشارات دارالکتب الاسلامیه.

جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۶۷). **ولایت در قرآن**. چاپ اول. تهران: مرکز فرهنگی رجاء.

راغب اصفهانی، ابوالقاسم حسین بن محمد. (۱۳۹۲ ق). **مفردات الفاظ القرآن فی غریب القرآن**. به تحقیق ندیم مرعشلی. بیروت: دارالکتاب العربی.

سایت رهبر انقلاب اسلامی. KHAMENEI.IR

سبحانی، جعفر. (۱۴۱۱ق). **الالهیات**. ج ۲. چاپ سوم. قم: مرکز العالمی للدراسات الاسلامیه.

سروش، عبدالکریم. تحلیل مفهوم حکومتی دینی. (۱۳۷۵). **کیان**. تهران. سال ششم. شماره ۳۲؟

کامل است

شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد بن النعمان ابن المعلم العکبری البغدادی. (۱۴۱۳ق). **مصنفات الشیخ المفید**. ج ۱۰. چاپ اول. قم: مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی.

صدوق، محمد بن علی. (۱۲۹۵ق). **کمال الدین و تمام النعمه**. چاپ دوم. تهران: اسلامیه.

طباطبایی، محمدحسین. (۱۳۷۱). **المیزان فی تفسیر القرآن**. چاپ پنجم. قم: مؤسسه اسماعیلیان.

_____ . (۱۳۷۹). **شیعه در اسلام**. چاپ دهم. قم: دفتر انتشارات اسلامی.

طریحی، فخرالدین. (۱۳۷۵). **مجمع البحرین**. چاپ سوم. تهران: مرتضوی.

قمی، شیخ عباس. (۱۳۸۲). چاپ دوم. قم: رواق اندیشه.

کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۴۱۱ق). **اصول کافی**. بیروت: دارالمتعارف للمطبوعات.

مغنیه، محمد جواد. (بی تا). **تفسیر الکاشف**. ج ۴. چاپ چهارم. بیروت: دارالعلم للملایین.

مکارم شیرازی و همکاران. (۱۴۱۰ق). **تفسیر نمونه**. چاپ چهارم. تهران: دارالکتب الاسلامیه.

ملاصدرا، الحکمه المتعالیه. (۱۴۱۰ق). چاپ چهارم. بیروت: دار احیاء التراث العربی.

ملاصدرا، محمدبن ابراهيم. (۱۳۸۸). **الشواهد الربوبية في المناهج السلوكية**. تصحيح سيدجلال الدين آشتياني. قم: مؤسسه بوستان كتاب.

معرفت، محمد هادي. (بي تا). **ولايت فقيه**. چاپ اول. قم: مؤسسه فرهنگي انتشارات التمهيد.

منتظري، حسينعلي. (۱۴۰۹ق). **دراسات في ولايه الفقيه و فقه الدوله الاسلاميه**. چاپ دوم. بيروت: الدار الاسلام.

Abstract:

In the interpretative view of Ayatollah Khamenei, belief in monotheism is one of the most important foundations for the formation of a provincial society, because a provincial society is formed with the center of the imam, and the basis of the center of the imam is the belief in the levels of monotheism, including monotheism in divine lordship, divine lordship has various forms. One of its degrees is monotheism in legislation, sovereignty and obedience, which can be implemented by forming a state community centered on the Imam. The current research, using the descriptive-analytical methodology and scientific organization, with the aim of analyzing the provincial society, investigates and analyzes the main question of the subject of this research: "Relying on the interpretation opinions of Ayatollah Khamenei, how are the foundations and characteristics of the provincial society in the Quran Has it been raised?" will pay. The most important achievement of the subject of this research is that, based on monotheism, only God has the right to fully control human actions and legislation, and he implements this right through the formation of a state society centered on the Imam. That is, in the direction of monotheism in His Lordship, by giving the permission to establish a religious government to the infallible prophets and imams and qualified jurists, as the imams of the community, God exercises his exclusive right to rule and rule. Imams who, with God's permission, become the center of the formation of a society that is interpreted as a noble society. And it has three important features, preservation of internal dependencies and negation of external dependencies and the existence of Imam. Therefore, the viewpoints that do not reflect the religious government and separate religion from politics are unable to understand the basis of the state society

Key words: State society, monotheism, foundations, Imam, Ayatollah Khamenei